

دام گستری در جرایم مواد مخدر

سامان سیاوشی

چکیده

عملیات دام‌گستری به معنای پهن کردن دام توسط مقامات قضایی، برای ارتکاب جرم یا تحصیل دلیل علیه اشخاصی است که مورد نظر آنان است. این عملیات در جرایم مواد مخدر رواج بیشتری دارد. در واقع مأمورین مبارزه با مواد مخدر با بهره‌گیری از معاملات صوری و تحریک و تطمیع مجرمین احتمالی، این افراد را ترغیب به ارتکاب جرم و سر بزنگاه دستگیر می‌کنند. با مطالعه آرای قضایی، در اکثر موارد شاهد پیشنهاد مواد مخدر با شدیدترین مجازات ممکن از سوی مأمورین مبارزه با مواد مخدر هستیم؛ پیشنهادی که اعدام یا حبس ابد را در پی خواهد داشت. در این پرونده نیز مأمورین مبارزه با مواد مخدر با بهره‌گیری از معاملات صوری، متهم را ترغیب به فروش مقداری قابل توجه از هروئین کرده‌اند و سپس در حین معامله فرد را دستگیر کردند. در نهایت متهم در دادگاه انقلاب به مجازات اعدام محکوم شده است.

کلیدواژگان:

دام‌گستری، اعدام، مواد مخدر، حبس ابد، تطمیع مجرم.

مشخصات رأی (بدوی/تجدیدنظر)

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۰۹۲۵۸۰۰۳۱۸

شعبه: شعبه چهل و چهارم دیوان عالی کشور

تاریخ: ۱۱:۳۸ ۱۳۹۴/۰۹/۲۵

تاریخ رسیدگی: ۹۴/۷/۴ فرجام خواه :- فرزند ر.الف. فرجام خواسته: دادنامه شماره

- مورخ ۲۸ ۳۱/۳/۹۴

مرجع رسیدگی: شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور

مقدمه

براساس گزارش واصله و اطلاعات حاصله به پایگاه پنجم پلیس مبارزه با مواد مخدر، مبنی بر فعالیت فردی در امر فروش مواد در محدوده خیابان فلاحی، فرد مورد نظر شناسایی شد و مأمورین وی را در حال فروش مواد مخدر مشاهده کردند. دستگیری وی میسر نگردید و هویت و منزل پدری وی شناسایی شد. پس از اخذ مجوز قضایی بازرسی منزل و دستگیری او، در مورخه ۱۳۹۳/۹/۹، وی را دستگیر کردند و در بازرسی از منزل مقدار ۳۴۰ گرم شیشه با لفافه در ۳۹۰ بسته و مقدار ۳۷ گرم هروئین با لفافه در ۴۸ بسته کشف و ضبط شد. نامبرده (ب.ب.) اعلام می‌دارد حاضر به همکاری برای شناسایی و دستگیری مالک اصلی مواد و فروشنده به نام (ح.ر.ن.) شده است. مشارالیه در حضور مأمورین با وی تماس گرفت و مواد درخواست نمود. مأمور به عنوان خریدار صوری در محل قرار حاضر شد و مواد مخدر را گرفت. ایشان مقدار مواد مخدر هروئین را در نایلون به مقدار ۳۹۰ گرم با لفافه در ۱۷۶ بسته توزین کرده و ... و مواد را سر قرار آورده و تحویل مأمور (خریدار) صوری مواد داد و سپس دستگیر شد. همچنین از منزلش یک عدد ترازوی دیجیتالی کشف شد. قرار مجرمیت آنان آقای حمید ن. به اتهام فروش ۴۰/۳۱۶ گرم هروئین و شیشه به (ب.ب.) و در معرض فروش قرار دادن ۳۶۲ گرم هروئین جمعاً به میزان ۴۰/۶۷۸ گرم هروئین و شیشه و آقای (ب.ب.) به اتهام خرید ۴۰/۳۱۶ گرم شیشه و هروئین از (ح.ر.ن.) صادر و پس از موافقت با قرار پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال گردید. پرونده به شعبه ۳۰ دادگاه

انقلاب اسلامی تهران ارجاع شد و پس از طی تشریفات دادرسی با تشکیل جلسه دادرسی با حضور متهمان و وکیل مدافع آنان و نماینده دادسرا پس از تفهیم اتهام به متهمان بر حسب کیفرخواست صادره متهم (ب.ب.) تمامی مطالبی را که در مرجع انتظامی و دادسرا بیان کرده بودند، تکرار کرده، مدعی شد از محتویات داخل نایلونی که (ح.ر.ن.) به وی داده بود، بی اطلاع بوده و به عنوان امانت نگه داشته است و در قبال آن می خواست پول بگیرد که دستگیر شده و با مأمورین همکاری کرده است و پس از اخذ آخرین دفاع از آنان، دادگاه با اعلام ختم دادرسی در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۰ مبادرت به انشای رأی نمود و هریک از آنان را به مجازات اعدام محکوم کرد. دادنامه در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ به وکیل محکوم علیه (ب.ب.)، آقای (ج) ابلاغ شد و در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۶ با تقدیم لایحه فرجام خواهی از دادنامه صادره فرجام خواهی نمودند. دادنامه به محکوم علیه دیگر آقای (ح.ر.ن.) در تاریخ ۳۰/۴/۹۴ ابلاغ شد و صرفاً اعلام داشت که اعتراض دارند، ولی لایحه اعتراض تقدیم نشده است. پرونده در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۸ به دیوان عالی کشور واصل شده و در تاریخ ۱۵/۶/۹۴ به این شعبه ارجاع گردیده است. هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش، آقای غلامعلی رضائی عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نامه کتبی آقای مهرداد حبیبی، دادیار دیوان عالی کشور، اجمالاً مبنی بر تأیید دادنامه در خصوص دادنامه شماره ۹۴۰۳۰۰۰۲۰۰ تجدیدنظرخواسته مشاوره نموده است، چنین رأی می دهد:

رأی شعبه «ضمن رد فرجام خواهی وکیل محکوم علیه رأی فرجام خواهی را عیناً تأیید می نماید. این رأی قطعی است».

رئیس شعبه ۴۴ دیوان عالی کشور

۱. نقد و بررسی

با ملاحظه قریب به هزار رأی در جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام که رأی فوق یکی از این موارد است، به این نتیجه رسیدیم که بهره گیری از دام گستری در جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام، شیوه ای کاملاً مقبول در نزد محاکم کشور است و حتی مورد اعتراض اصحاب دعوا نیز قرار نمی گیرد. همچنین رویه مأموران مبارزه

با مواد مخدر در معاملات صوری، پیشنهاد مواد مخدر به میزان بالا و وزن سنگین است؛ به طوری که در اغلب موارد این معاملات به اعدام یا حبس ابد ختم می‌شود. از منظر مسئولیت کیفری متهم، با توجه به ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی خدشه‌ای به مسئولیت کیفری وی وارد نیست؛ زیرا دام‌گستری موجب سلب اختیار و اجبار متهم نمی‌شود. اما از منظر مسئولیت کیفری ضابطین دادگستری با توجه به ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری و الزام ضابطین به رعایت «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» رفتار ضابطین دادگستری نقض آشکار قانون مذکور است؛ بنابراین بر اساس ماده ۵۷۰ ق.م.ا مستحق مجازات‌اند. در واقع ضابطین دادگستری بنا بر صدر ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مکلف به تبعیت از این قانون هستند. در بند ۱ ماده واحده^۱ به لزوم تبعیت از اصول و قواعد قانونی در کشف جرم و پرهیز از سلیقه‌ای رفتار کردن اشاره شده است. با توجه به اینکه ظاهراً مأمورین مبارزه با مواد مخدر در پیشنهاد میزان مواد مخدر و نوع مواد مخدر هیچ مبنایی ندارند، می‌توان این شیوه از کشف جرم را پیروی از سلیقه شخصی و برخلاف اصل بی‌طرفی مراجع قضایی موضوع ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۲ دانست. لازم به ذکر است که بر طبق ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۳ رعایت قانون حفظ حقوق شهروندی برای متهم و مقامات

۱. بند ۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود».

۲. «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین زمان رسیدگی و...»

۳. «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ از سوی تمام مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

قضایی الزامی است و در صورت عدم رعایت قانون مذکور، متخلفان علاوه بر جبران خسارت به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی^۱ نیز محکوم می‌شوند (مؤذن‌زادگان و محمدکوره پز، ۱۳۹۵: ۵۳-۸۶) و نه تنها مجازات انفصال از خدمت، بلکه تا ۳ سال حبس برای ناقضین این ماده در نظر گرفته شده است. همچنین به نظر می‌رسد، دلایلی که از این طریق تحصیل می‌شود، مخدوش و فاقد اعتبار است. در واقع اصل قانونی بودن که یکی از مهم‌ترین اصول پذیرفته شده در حقوق جزاست، امروزه رسیدگی کیفری را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین تمام مراحل دادرسی کیفری الزاماً باید مطابق قانون باشد و صدور حکم عادلانه بدون در نظر گرفتن ادله مشروع و ارائه آن به دادگاه امکان‌پذیر نیست. اصل مشروعیت تحصیل دلیل که خود زیرمجموعه اصل قانونی بودن دادرسی کیفری است، می‌تواند به عنوان مبنا دو اثر داشته باشد: اول اینکه به عنوان عاملی در راستای حفظ کرامت انسانی و برقرارکننده تعادل در اصول مسلم دادرسی، و از طرفی به عنوان مانعی در قبال برخی سوءاستفاده‌ها از اصل آزادی تحصیل محسوب گردد (فرید و امیرزاده خیابانی، ۱۳۹۷: ۴۵). در واقع عدم مسئولیت متهم نه به دلیل تحریک شدن او، بلکه به دلیل اصول حاکم بر دادرسی کیفری و نحوه تحصیل ادله است. بنابراین اگر دلایل نامشروع باشد، امکان محکومیت منتفی است. در واقع طبق اصل مشروعیت تحصیل دلیل، صرفاً ادله‌ای معتبر است که از منظر قانونی موجه باشد.^۲ در واقع در اصل مشروعیت تحصیل دلیل، اولاً تنها ادله‌ای قابلیت

۱. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۲. برخی از حقوق‌دانان معتقدند، دام‌گستری در تحصیل دلیل به عنوان یک اصل در همه جرایم، منجر به اثبات دفاع به نفع متهم و فقدان ارزش اثباتی دلایل تحصیل شده از این طریق می‌گردد. البته در جرایم سازمان‌یافته با تصریح قانون‌گذار و تعیین ضوابط و شرایط دقیق توسط رویه قضایی، اجازه توسل به دام‌گستری در تحصیل دلیل به مقامات قضایی داده می‌شود. اما دام‌گستری در تحریک به جرم، در هر صورت و هر جرمی حتی جرایم سازمان‌یافته، مجاز و قانونی نیست و منجر به اثبات دفاع دام‌گستری و زوال مسئولیت متهم است.

استناد دارند که مشروع باشد؛ به این معنی که از سوی قانون‌گذار و رویه قضایی ممنوع نشده باشد (مشروعیت دلیل)؛ ثانیاً این ادله مشروع و قانونی از طرق و شیوه‌های مشروع تحصیل شده باشد (مشروعیت تحصیل دلیل؛ تدین، ۱۳۸۸: ۶۹).

۲- مشروعیت تحصیل دلیل

موضوع مشروعیت تحصیل دلیل به صراحت در قوانین ما به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است. اما از مفهوم و استنتاج از برخی مواد می‌توان بر رعایت قانون در تحصیل دلیل و خودداری از هر گونه شیوه متقلبانه و خدعه‌آمیز پی برد. در واقع، اصل براءت که در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ به آن اشاره شده است، ایجاب می‌کند در فرضی که دلیل قانونی وجود نداشته باشد، به جای دلیل تراشی و استفاده از شیوه‌های خدعه‌آمیز به اصل رجوع شود و برطبق ماده مذکور، کرامت و حیثیت اشخاص حفظ شود. اصل منع دستگیری و بازداشت که در بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۹ به آن اشاره شده است، ایجاب می‌کند که دستگیری و بازداشت بر اساس قوانین باشد و در واقع هرگونه برخوردی برخلاف اصل منع دستگیری نیاز به توجیه قانونی دارد و در صورت فقدان چنین توجیهی، به اصل رجوع می‌کنیم.

همچنین ادله فقهی متعددی برخلاف دام‌گستری در جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام است که اجمالاً اشاره خواهد شد. بر طبق قاعده «حرمت اعانت بر اثم» معاونت در گناه منع شده است؛ شیخ انصاری معاونت را «انجام دادن برخی مقدمات فعل حرام به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن حرام» تعریف می‌کند (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۸۵). بنابراین هرگونه ایجاد مقدمات برای ارتکاب رفتاری غیرمجاز منع شده است. مفاد اجمالی قاعده در آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم و یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی به دلیلی محل تردید و مشکوک باشد، به موجب این قاعده باید جرم و مجازات را منتفی دانست.

۱. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «اصل براءت است. هر گونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقامات قضایی مجاز نیست و در هر صورت، این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

بر طبق قاعده «درء المفسد اولی من جلب المصلح»، هر گاه نزد مکلف، مفسده و مصلحت در امری از امور دینی یا دنیایی تعارض کرد، اصل در حق مکلف، دفع مفسده است؛ چراکه دفع مفسده مقدم بر طلب تحصیل مصلحت است؛ یعنی از میان بردن مفسده مهم‌تر است از جلب مصلحت (وزیری و سعیدیانی، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۲۳). بنابراین، به فرض که بپذیریم مصلحت جامعه در بهره‌گیری از دام گستری در جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام است،^۱ در تعارض منفعت جامعه و دفع اعدام و سلب حیات به طور قطع، احترام به نفس انسان و دفع اعدام اولویت دارد.

برطبق قاعده سد ذرایع، به معنای ممنوعیت شرعی هر وسیله‌ای است که از روی قصد یا بدون قصد به حرام شرعی منجر می‌شود؛ ولو در آن وسیله مصلحتی باشد. بنابراین سد ذرایع معطوف به غایت افعال و نتایج فاسدی است که بر افعال مترتب می‌شود (وزیری، همان، ۱۰). با توجه به این قاعده، به فرض پذیرش مصلحت دستگیری مجرم در دام گستری، صرف دستگیری متهم و مصالح آنی نمی‌تواند توجیه‌کننده بهره بردن از دام گستری و در نهایت اعدام مرتکب باشد و با توجه به تعارض مصالح آنی دستگیری با مفسد آتی که به آن اشاره کردیم، حکم بر تحریم دام گستری است.

یکی از اصول و قواعد مشهور و تأیید شده فقه جزایی اسلام درباره مرگ، «احتیاط در دماء» است که به موجب آن، حکم به مرگ یک انسان باید با دلیل قطعی یا اماره صورت گیرد و در مواردی که دلیل قطعی وجود ندارد و شبهه ایجاد می‌شود، لازم است احتیاط کامل صورت گیرد؛ یعنی از اجرای مجازات مرگ خودداری شود. بر طبق این قاعده، خروج موارد خاص نیازمند دلیل یقینی و تصریح قانون‌گذار است و مسئله دماء و مرگ نیز یکی از اموری است که حکم اصلی آن ممنوعیت است. بنابراین خروج برخی موارد و در نتیجه حکم به مجازات اعدام باید مستند به ادله یقینی باشد وگرنه در صورت شبهه، باید از صدور رأی پیشگیری کرد.

۱. همان‌طور که در ابتدای مقاله اشاره شد، به دلیل نبود تعریفی واحد از مصلحت جامعه، پذیرش دام گستری به دلیل مصالح جمعی مورد تردید جدی است و اختلاف در بین حقوق‌دانان در پذیرش یا رد دام گستری مؤید نبود نظر واحد است.

نتیجه

از نظر مبنایی، با توجه به اینکه مهم‌ترین دلیل موافقین بهره‌گیری از دام‌گستری در جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام مصلحت عامه است، به نظر می‌رسد اساساً فرض تأمین مصلحت جامعه از طریق دام‌گستری در جرایم اعدام مواد مخدر، به طور جدی مورد تردید است و چه بسا بهره‌گیری از این شیوه مصلحت جامعه و شأن و منزلت مجریان قانون را به مخاطره بیندازد. همچنین در فرض پذیرش تأمین مصلحت جامعه از طریق دام‌گستری در جرایم اعدام مواد مخدر، مرجع تشخیص مصلحت، جامعه قانون‌گذار است نه ضابطین دادگستری. بنابراین در وضعیت فعلی و فقدان قانونی مشخص با توجه به مجازات‌های سنگین اعدام و حبس ابد در این حوزه، استفاده از دام‌گستری توسط ضابطین دادگستری، تبعات بسیار سنگین فردی و اجتماعی خواهد داشت و موجب برخورد سلیقه‌ای ضابطین دادگستری می‌شود. بر همین اساس، بهره‌گیری از دام‌گستری در چنین جرایمی نه تنها غیرشرعی و غیرقانونی است، بلکه به نظر می‌رسد مصالح جامعه و اعتبار و منزلت و شأن مجریان قانون را به خطر می‌اندازد و سالانه موجب اعدام شدن بسیاری از افرادی خواهد شد که در دام ضابطین دادگستری گرفتار شدند.

فهرست منابع

کتاب

- انصاری، مرتضی (۱۳۸۰)، **المکاسب**، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.
- تدین، عباس، (۱۳۸۸)، **تحصیل در آیین دادرسی کیفری**، میزان.

مقاله

- فرید، محمد امین و امیرزاده خیابانی، علی (پاییز ۱۳۹۷)، «اصل مشروعیت تحصیلی دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان»، **فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۳.
- موذن زادگان حسنعلی و محمدکوره یز، حسین، (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «ضمانت اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرایند تحقیقات پلیسی»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۱.
- وزیری، مجید و سعیدبانی، نورالدین، (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، «قاعده «درء المفاسد اولی من جلب مصالح» و تاثیرات آن بر فقه اسلامی»، **مجله فقه و اصول**، شماره ۹.